

اثر تعدیل‌کنندگی توانایی مدیران بر رابطه بین اجتناب از مالیات و کیفیت گزارشگری مالی

امیررضا کی‌قبادی^{۱*}، سمیه فتحی^۲، زهره حیدری^۳

۱- * استادیار، گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲- مدرس گروه حسابداری دانشگاه فنی حرفه ای دختران، بروجرد، لرستان

۳- هیات علمی گروه حسابداری، دانشگاه کوثر، بجنورد، خراسان شمالی

a.keyghobadi@iauctb.ac.ir

چکیده

مدیران هر سازمان نقش بسیار مؤثری در موفقیت آن سازمان دارند و می‌توانند بسیاری از مشکلات موجود را رفع و یا از وقوع آن پیشگیری کنند. از اینرو، هدف پژوهش حاضر، بررسی تاثیر توانایی مدیران بر اجتناب از مالیات و کیفیت گزارشگری مالی و اثر تعدیل‌کنندگی توانایی مدیران بر رابطه بین اجتناب از مالیات و کیفیت گزارشگری مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. نمونه آماری پژوهش شامل ۱۲۰ شرکت در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۳۹۶ است. برای اندازه‌گیری توانایی مدیران از تکنیک تحلیل پوششی داده‌ها به پیروی از مدل دم‌رجیان و همکاران (۲۰۱۲) و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از تحلیل آماری رگرسیون ترکیبی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین توانایی مدیران و اجتناب از مالیات رابطه منفی و معناداری وجود دارد و بین توانایی مدیران و کیفیت گزارشگری مالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین توانایی مدیران بر رابطه بین اجتناب از مالیات و کیفیت گزارشگری مالی تاثیر مثبت و معناداری دارد.

کلمات کلیدی: توانایی مدیران، اجتناب از مالیات، کیفیت گزارشگری مالی

۱- مقدمه

یکی از سرمایه‌های انسانی، که نقش مهمی در تبدیل منابع شرکت به درآمد و خلق ثروت برای سهامداران دارد، مدیران شرکت های تجاری هستند. اطلاعات مرتبط با توانایی های مدیران شرکت ها، از قبیل توانایی آنها در استفاده از فرصت های سرمایه گذاری، تأمین منابع، تخصیص بهینه منابع، دانش و تجربه آنها، یکی از ابعاد مهم و ارزشمند دارایی‌های نامشهود شرکت های تجاری محسوب می‌شود. (نمازی و غفاری ۱۳۹۴). مدیران توانا، قادر به انجام قضاوت درست و پیش‌بینی‌های دقیق نسبت به سایر افراد هستند و در مورد شرکت و صنعتی که شرکت در آن فعالیت می‌کند دانش بیشتری داشته و توانایی ترکیب بهتر اطلاعات را برای انجام پیش‌بینی های قابل اعتمادتر دارند (لیبی و لاف^۱ ۱۹۹۳). توانایی بالای مدیران و افزایش کارایی سرمایه گذاری اقدامی اساسی برای استفاده بهینه از منابع، ارتقای پاسخ‌گویی، شفافیت، رعایت انصاف و رعایت حقوق همه ذی‌نفعان شرکت ها است که به استقرار صحیح سیستم های مدیریتی منجر خواهد شد. مدیر با آگاهی بیشتر، براساس تغییرات مشتریان شرکت و روند صنعت و کلان اقتصادی، در نرخ تاریخی، تعدیلاتی را انجام می‌دهد. به همین ترتیب مدیران توانمند می‌توانند نرخ استهلاک دقیق‌تر و منطقی‌تر، ارزش منصفانه و مدیران تواناتر، برآورد اقلام تعهدی را به نحو مناسب، و در نتیجه سودهای باکیفیت‌تری را گزارش کنند، بنابراین انتظار می‌رود باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی شود. مدیران توانا با استفاده بهینه از منابع شرکت و اطلاعات در دست می‌توانند به سود مطلوب شرکت و نیز مطلوبیت شخصی خود دست یابند و همچنین با افشای اطلاعات بیشتر و افزایش کیفیت گزارشگری مالی، ارتباط بهتری را با سرمایه‌گذاران برقرار کرده و در نتیجه هزینه سرمایه را کاهش دهند.

مدیران با توانایی بالاتر می‌توانند تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر سیاست‌های شرکت داشته باشند. در شرکت‌های موفق نقش توانایی مدیریت در تدوین سیاست‌های مالیاتی شرکت دو چندان خواهد بود. نتایج تجربی نشان می‌دهد که مدیران با توانایی بیشتری برای مدیریت منابع کارآمد، تأثیر اقتصادی قابل توجهی در مالیات شرکت‌ها دارند. مدیران توانمند در کنترل اثربخش منابع، عموماً تصمیماتی اتخاذ می‌نمایند که پرداخت‌های مالیات بر درآمد را کاهش دهند (کوستر و همکاران ۲۰۱۶).

مالیات بر درآمد هزینه قابل توجهی را بر شرکت تحمیل می‌کند. مدیران شرکت هم برای کاهش یا عدم پرداخت مالیات دست به آرایش‌های خلاقانه حساب‌ها می‌زنند تا هزینه کمتری را متحمل شوند. ادبیات مالی در کشورهای خارجی، تلاش‌ها و راهکارهای قانونی شرکت‌ها به منظور کاهش هزینه مالیات خود را به نام‌های متفاوتی از قبیل مدیریت مالیات، اجتناب از پرداخت مالیات و رویه مالیاتی جسورانه می‌شناسند. اجتناب از مالیات یک فعالیت گریز از مالیات بدون شکست خطوط قوانین و درون چارچوب قوانین مالیات است. برنامه‌ریزی‌های اجتناب از پرداخت مالیات، صرفه‌جویی مالیاتی برای شرکت به ارمغان می‌آورد. با این حال، به‌طور هم‌زمان پیچیدگی مالی و سازمانی شرکت را افزایش می‌دهد و به حدی می‌رسد که نمی‌توان با بخش‌های خارج از شرکت (مانند سرمایه‌گذاران، بستانکاران و تحلیلگران) به درستی ارتباط برقرار کرد و بدین صورت مشکلات شفافیت گزارشگری مالی افزایش می‌یابد.

هدف پژوهش حاضر بررسی اثر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی و کیفیت گزارشگری مالی و تأثیر تعدیل‌کنندگی آن بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و کیفیت گزارشگری مالی است. از این رو، سؤال پژوهش حاضر این است که آیا توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی و بر کیفیت گزارشگری و همچنین بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد؟ پژوهش حاضر در شش قسمت تنظیم شده است. در بخش دوم مبانی نظری پژوهش و پژوهش‌های مرتبط با موضوع ارائه می‌شود. فرضیه‌های پژوهش در قسمت سوم بیان شده است. الگوی پژوهش در بخش چهارم معرفی می‌شود که شامل توصیف مدل، و معرفی متغیرهای پژوهش جامعه و نمونه پژوهش می‌باشد. بخش پنجم مقاله، یافته‌های پژوهش شامل که آمارهای توصیفی و استنباطی می‌باشد ارائه گردیده است. بخش ششم نیز به نتیجه‌گیری و ارائه دستاوردهای پژوهش و پیشنهادها اختصاص دارد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- توانایی مدیران

در متون حسابداری توانایی مدیریت یکی از ابعاد سرمایه انسانی شرکت هاست که به عنوان دارایی نامشهود طبقه بندی می‌شود. به عنوان نمونه دمرجیان و همکاران^۳ (۲۰۱۲) توانایی مدیریت را به عنوان کارایی مدیران نسبت به رقبا در تبدیل منابع شرکت به درآمد تعریف می‌کنند. این منابع تولید درآمد در شرکت‌ها شامل بهای موجودی‌ها، هزینه‌های اداری و توزیع و فروش، دارایی‌های ثابت، اجاره‌های عملیاتی، هزینه‌های تحقیق و توسعه و دارایی‌های نامشهود شرکت، می‌شود. توانایی مدیریتی بالاتری می‌تواند منجر به مدیریت کارآتر عملیات روزانه شرکت شود، خصوصاً در دوره‌های بحرانی عملیات، که تصمیم‌گیری‌های مدیریتی می‌تواند تأثیر به‌سزایی بر روی عملکرد شرکت داشته باشد. افزون بر آن، در دوره‌هایی که شرکت با بحران رو به روست، مدیران توانا تر تصمیم‌گیری مناسب تری در ارتباط با تامین منابع مورد نیاز خواهند داشت (آندرو و همکاران^۴ ۲۰۱۳). سرمایه‌گذاری مناسب تر در پروژه‌های با ارزش تر و مدیریت کارای کارمندان نیز از ویژگی‌های مدیران توانمند است. در نتیجه در کوتاه مدت انتظار می‌رود، مدیران توانا تر بتوانند درآمد بیشتری با استفاده از سطح معینی از منابع کسب کنند یا با استفاده از منابع کمتر، به سطح معینی از درآمد دست یابند همچنین، مدیران با توانایی بالا، دانش و آگاهی بیشتری در ارتباط با مشتریان و شرایط کلان اقتصادی دارند و قادر به درک بهتری از استانداردهای پیچیده تر و اجرای درست آنها هستند. مدیران توانا علاوه بر برآوردهای با کیفیتی که انجام می‌دهند، به واسطه شناخت و قدرت درک خود، پروژه‌های سودآور را شناسایی کرده و با سرمایه‌گذاری در آنها جریان‌های نقدی عملیاتی را نیز بهبود می‌بخشند (دیمرجان و همکاران^۳ ۲۰۱۳).

۲-۲- توانایی مدیران و اجتناب از مالیات

اجتناب مالیاتی، تلاش در جهت کاهش مالیات های پرداختنی است. در واقع اجتناب از مالیات، نوعی استفاده از خلأهای قانونی در قوانین مالیاتی در جهت کاهش مالیات است (هالون و هتیزمتن^۵ ۲۰۱۰). اجتناب از مالیات یک فعالیت گریز از مالیات بدون شکست خطوط قوانین و درون چارچوب قوانین مالیات است اجتناب از مالیات اغلب بعنوان کاهش مالیات تعریف می شود. این تعریف همه معاملاتی را که روی بدهی مالیاتی شرکت ها تأثیر می گذارد منعکس می کند.

پیش بینی می شود مدیران توانمند در کنترل اثربخش منابع، عموماً تصمیماتی اتخاذ می نمایند که پرداخت های مالیات بر درآمد را کاهش دهند. انتظار می رود که در شرایط یکسان مدیران با توانایی بیشتر در مدیریت ثمربخش منابع، درگیر اجتناب مالیاتی بیشتر شوند. مدیران با توانایی مدیریت بالا به سه دلیل براجتناب از پرداخت مالیات تأثیر دارند (کوستر و همکاران^۴ ۲۰۱۶). اول، مدیران توانایی بالاتری درک بهتر محیط عملیات شرکت خود دارند (دی جونگ و لینگ^۶ ۲۰۱۰). این درک باعث می شود که بتوانند تصمیمات تجاری با استراتژی های مالیاتی همسو کرده و می توانند فرصت های برنامه ریزی مالیاتی را به راحتی شناسایی و بهره برداری کنند. دوم، مدیران توانمند می توانند یک فضای اخلاقی (نظم و ترتیب در سطوح بالای شرکت) با تأکید بر حداقل رساندن هزینه ها ترسیم کنند که در مدیریت ثمر بخش منابع در راستای رسیدن به اهدافشان مستعد تر خواهند بود اگرچه در کلیه مدیران انگیزه کاهش هزینه وجود دارد. اما مدیران توانمندتر در مدیریت ثمربخش منابع شرکت در دستیابی به کاهش قابل توجه هزینه ها توانایی بیشتری دارند. همچنین، انتظار می رود کاهش جریان های خروجی وجه نقد به مقامات مالیاتی خصوصاً به مدیرانی که بطور ثمر بخش منبع را مدیریت می کنند واگذار گردد. هدایت منابع از پرداخت مالیات به عملیات شرکت برای مدیران با توانایی بیشتر جذابتر است. سوم، مدیران کارآمدتر قادر به تولید خروجی بیشتر از یک مجموعه داده ورودی هستند. کاهش در پرداخت مالیات صرفه جویی در مالیات نقدی اختصاص یافته به عملیات شرکت، دارای توان بالقوه برای تولید بازده مثبت سرمایه گذاری است.

۲-۳- توانایی مدیران و کیفیت گزارشگری مالی

از طرفی مدیران نمایندگانی هستند که از سوی مالکان واحدهای اقتصادی به منظور مدیریت منابع آن ها مدیران در جهت کسب حداکثر رفاه منصوب می شوند. در راستای انجام وظایف نمایندگی باید در مورد نحوه به کارگیری منابع اقتصادی تحت کنترل خود، در مقابل مالکان پاسخگو باشند و گزارشگری مالی از ابزار های مهم پاسخگویی محسوب می شود. براساس مبانی نظری کیفیت گزارشگری مالی ممکن است از برخی از عوامل مرتبط با مدیریت مانند محافظه کاری، صداقت و کارایی تأثیر بپذیرد. با افزایش کارایی و توانایی مدیران، کیفیت گزارشگری مالی افزایش می یابد. مدیران عالی به دلیل دسترسی به اطلاعات درونی و محرمانه شرکت، انتظار می رود دارای درک بیشتری از کسب و کارشان باشند که این امر موجب می شود آن ها برآوردها و قادر باشد به صورت، قضاوت های بهتری را انجام دهند. همچنین انتظار می رود تیم مدیریت برای مثال، در هنگام برآورد هزینه های سوخت شده، دقیق تری اقلام تعهدی را پیش بینی کند مدیران درک بیشتری از مشتریان شان و شرایط کلان اقتصادی دارند و همچنین در مورد مزایای پیش بینی بهتری را به عمل می آورند و قادر خواهند بود که، آتی دارایی های ثبت شده استانداردهای پیچیده را درک کنند و آنها را بکار ببرند. (پلمیلو^۷ ۲۰۱۰).

۲-۴- اجتناب از مالیات و کیفیت گزارشگری مالی

استراتژی های اجتناب از پرداخت مالیات اثر معکوسی بر محیط اطلاعاتی شرکت دارد و به مدیران اجازه می دهد منافع را از شرکت خارج کنند (دیمرجان و همکاران^۸ ۲۰۱۳). به میزانی که رویه های جسورانه مالیاتی، پنهان کردن حقایق به منظور جلوگیری از کشف شدن توسط مأموران مالیاتی را دربر می گیرد، می تواند ابهام شرکت را افزایش دهد. کیفیت گزارشگری مالی و سیاست افشا بر میزان شفافیت شرکت تأثیر می گذارند. به عبارت دیگر، افزایش مشکلات شفافیت باعث به وجود آمدن عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه گذاران، سهام داران، بستانکاران، مدیران و... خواهد شد. شفافیت کم، مجموعه ای از هزینه ها را بر شرکت تحمیل

می‌کند که شامل بالا رفتن هزینه تهیه سرمایه از طریق سهام و بدهی، تشدید مشکلات حاکمیتی و کاهش بهره‌وری سرمایه‌گذاری است.

۲-۵- پیشینه پژوهش

چن و همکاران^۸ (۲۰۰۹) به بررسی رابطه بین میزان شفافیت شرکت و اجتناب از پرداخت مالیات با در نظر گرفتن تضاد منافع بین سهامداران و مدیران پرداختند. این محققان از دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش به عنوان معیار شفافیت شرکت و تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات به عنوان معیار اجتناب از پرداخت مالیات استفاده کردند. نتایج تحقیق نشان داد که هرچه میزان اجتناب از پرداخت مالیات بیشتر باشد، میزان ابهام در آن شرکت بیشتر است. دی جونگ و لینگ (۲۰۱۰) در مقاله خود بررسی کردند که آیا ویژگی‌های خاص مدیران عالی بر روی اقلام تعهدی که توسط ویژگی‌های شرکت قابل توضیح نیستند اثر می‌گذارد. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که مدیران اجرایی به احتمال زیادی بر روی اقلام تعهدی از طریق تصمیمات سیاسی شرکت و مدیران مالی بر روی اقلام تعهدی از طریق تصمیمات حسابداری .

پنیا دیس و همکاران^۹ (۲۰۱۳) به بررسی رابطه بین قابلیت مدیران و عملکرد شرکت در طول بحران مالی جهانی پرداختند و نشان دادند که توانایی مدیران رابطه مثبت و معناداری با عملکرد شرکتها دارد. به این معنی که شرکت هایی که به وسیله مدیران توانا اداره می‌شود، در طول دوره بحران، سرمایه‌گذاری بیشتری کرده و سود بیشتری به دست می‌آورند و در صورت نداشتن دسترسی به سود موردنظر و پیش بینی شده، اقدام به انتشار اوراق بدهی می‌کنند. همچنین، نتایج پژوهش حاکی از وجود رابطه معکوس بین توانایی مدیران و تقارن اطلاعاتی بود. دمرجیان و همکاران^۳ (۲۰۱۲) به بررسی رابطه بین قابلیت های مدیران و کیفیت سود پرداختند. آنها با استفاده از تکنیک تحلیل پوششی داده‌ها ابتدا کارایی مدیران را بر اساس منابع ورودی و ستاده‌ها محاسبه و پس از آن با استفاده از رگرسیون چند متغیره تأثیر نمره های کارایی مدیران را روی معیارهای کیفیت سود اندازه‌گیری کردند. نتایج پژوهش حاکی از رابطه مثبت و معنادار بین این دو متغیر بود. آنها بیان کردند که مدیران توانا کمتر به ارائه مجدد صورتهای مالی می‌پردازند؛ سود و اقلام تعهدی شرکت آنها ثبات بیشتری دارد؛ خطای کمتری در ارائه بدهی های غیرقابل وصول دارند و کیفیت اقلام تعهدی پیش بینی شده آنها زیاد است. در واقع، مدیران با انجام برآورد و قضاوت های درست و با کیفیت، اقدام به ارائه سود با کیفیت تر می‌کنند.

کووه همکاران^{۱۰} (۲۰۱۳) با استفاده از داده های ۲۹۴۱ سال-شرکت بورس اوراق بهادار کره جنوبی اقدام به بررسی رابطه بین قابلیت مدیران و اجتناب از پرداخت مالیات کرده و برای اندازه گیری قابلیت مدیران از تکنیک تحلیل پوششی داده‌ها استفاده کردند. نتایج پژوهش آنان حاکی از آن است که بین قابلیت مدیران و اجتناب از پرداخت مالیات رابطه منفی و معناداری وجود دارد. آندرو و همکاران^۴ (۲۰۱۳) نیز در پژوهش خود نشان دادند آنها همچنین نشان دادند توانایی مدیریت دارای رابطه منفی و معنی دار با عدم تقارن اطلاعاتی است.

بالاکریشنان و همکاران^{۱۱} (۲۰۱۲)، به این موضوع پرداختند که آیا رویه‌های جسورانه مالیاتی، شفافیت شرکت را کاهش می‌دهد یا خیر. این محققان از معیار عدم تقارن اطلاعاتی، کیفیت سود و خطای پیش بینی تحلیلگران به عنوان معیار شفافیت شرکت استفاده کردند. نتایج تحقیق نشان داد که استراتژی جسورانه مالیاتی شفافیت شرکت را کاهش می‌دهد. همچنین مدیران در شرکتهای با رویه‌های جسورانه مالیاتی تلاش می‌کنند مسأله شفافیت را با افزایش دادن سطح افشای مالیاتی کاهش دهند. فرانسیس و همکاران^{۱۲} (۲۰۱۴) به بررسی رابطه بین قابلیت مدیران و اجتناب از پرداخت مالیات پرداختند. نتایج پژوهش آنان رابطه منفی و معناداری بین قابلیت مدیران و اجتناب از پرداخت مالیات نشان داد. همچنین، بازار سرمایه در شرکت هایی که به وسیله مدیران توانا اداره می‌شود نسبت به شرکت هایی که به وسیله مدیران غیرکارآمد اداره می‌شود، واکنش منفی کمتری به افشای اطلاعات در زمینه سپر مالیاتی نشان میدهد.

پارک و همکاران^{۱۳} (۲۰۱۶) به بررسی رابطه توانایی مدیریت و اجتناب مالیاتی در کشور کره طی دوره ۲۰۱۱-۱۹۹۹ پرداختند. در این پژوهش به منظور سنجش توانایی مدیران از تحلیل پوششی داده‌ها استفاده شده است تا کشوره کره ری دوره

مدیران. آنان دریافته‌اند که بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت رابطه منفی وجود دارد. همچنین، نتایج پژوهش نشان داد که توانایی مدیران رابطه منفی بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت را کاهش می‌دهد.

کوستر و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی تاثیر توانایی مدیران بر اجتناب از مالیات پرداختند. نتایج بررسی آنها نشان داد که مدیران توانمند به دلیل درک بالایی که از محیط عملکرد شرکت‌ها دارند می‌توانند تصمیمات تجاری با استراتژی‌های مالیاتی همسوس نمایند آنها به شواهد قابل اعتمادی مبنی بر شرکت مدیران توانمند در فعالیت‌های اجتناب مالیاتی که پرداخت مالیات نقدی شرکت‌ها را کاهش می‌دهد، دست یافتند.

دمرجیان و همکاران^۳ (۲۰۱۷) به بررسی رابطه بین قابلیت توانایی‌های مدیران و هموارسازی سود پرداختند. آنها دریافته‌اند که مدیران با توانایی بالا احتمال بیشتری دارند که در هموارسازی سود شرکت می‌کنند، هموارسازی آنها با بهبود عملکرد عملیاتی آینده مرتبط است و با افزایش انگیزه آنها که موجب تقویت اعتبار خود و به نفع سهامداران باشد، مرتبط است. بزرگ اصل و صالح زاده (۱۳۹۴) در پژوهش خود به بررسی رابطه بین توانایی مدیریت و کیفیت اقلام تعهدی در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش آنها نشان داد که در دوره مورد مطالعه بین توانایی مدیریت و کیفیت اقلام تعهدی رابطه معنی داری وجود ندارد. پیری و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که در دوره رشد، توانایی مدیران تاثیر مستقیم معنی داری بر روی کیفیت گزارشگری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد.

ممتازیان و کاظم نژاد (۱۳۹۵) در پژوهشی رابطه بین قابلیت‌های مدیریت و عملکرد با استفاده از شرکت در بازه تحلیل پوششی داده‌ها را بررسی کردند. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش ممتازیان و کاظم‌نژاد نشان داد که به طور کلی، بین قابلیت مدیران و معیارهای عملکرد شرکت رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. به این معنا که با افزایش قابلیت مدیران، استفاده بهتر از منابع و لزوم به کارگیری حسابداری سنجش مسئولیت، عملکرد شرکت بهبود یافته و از این طریق ثروت سهامداران افزایش می‌یابد. نمازی و غفاری (۱۳۹۴) با بررسی اهمیت و نقش اطلاعات قابلیت مدیران و نسبت‌های مالی به عنوان معیاری در انتخاب سبد بهینه سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نشان دادند که تحلیل اطلاعات مرتبط با قابلیت مدیران به عنوان اطلاعات مکمل نسبت‌های مالی دارای اهمیت و ارزش است. حسنی القار و مرفوع (۱۳۹۵) به بررسی رابطه توانایی مدیریت و سیاست تقسیم سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که رابطه مثبت بین توانایی مدیریت و سیاست تقسیم سود وجود دارد. به عبارتی مدیران توانمندتر سود بیشتری پرداخت می‌کنند.

۳- فرضیه‌های پژوهش

بر اساس مبانی تئوری پیش گفته می‌توان بیان کرد که در خصوص تأثیر اجتناب مالیاتی و کیفیت گزارشگری مالی دو دیدگاه رقیب مطرح شده است. دیدگاه سنتی این است که مدیران با هدف کاهش تعهدات مالی شرکت و صرفه جویی وجه نقد، فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات را انجام می‌دهند. بنابراین، از منظر سرمایه‌گذاران، اجتناب از پرداخت مالیات افزایش دهنده ارزش شرکت است و مدیران برای به کار بستن چنین فعالیت‌هایی باید تشویق شوند و پاداش بگیرند. که می‌تواند ابهام ناشی از تضاد منافع بین مالکان و مدیران را کاهش دهد و در نتیجه کیفیت گزارشگری مالی را افزایش دهد. (دسای و دارماپالا^۴، ۲۰۰۹)

دیدگاه دوم به مسأله نمایندگی مربوط می‌شود که در این حالت، اجتناب از پرداخت مالیات به عنوان ابزار ایجاد سپر برای فرصت طلبی و انحراف منافع توسط مدیران است (نظریه فرصت طلبی مدیریتی). دسای و دارماپالا (۲۰۰۹) بیان کردند که استراتژی‌های اجتناب از پرداخت مالیات مستلزم پنهان کردن حقایق است به میزانی که به منظور جلوگیری از کشف شدن توسط مأموران مالیاتی را دربر می‌گیرد، می‌تواند ابهام شرکت را افزایش دهد که در نتیجه کیفیت گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد.

در صورتی که توانایی مدیریت با دیدگاه سنتی و دیدگاه نمایندگی ترکیب شود، می‌توان استنباط نمود که در دیدگاه سنتی توانایی مدیر در جهت اجرای استراتژی‌هایی است که بتواند منابع را در درون شرکت حفظ نموده و با در نظر گرفتن ارزش زمانی پول، ارزش بالاتری را برای شرکت ایجاد کند و با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مالکان و مدیران، کیفیت گزارشگری رو افزایش دهد. توجه مدیران به اجرای استراتژی اجتناب مالیاتی می‌تواند موجب کاهش زمان مدیران جهت اجرای سایر استراتژی‌هایی

شود که امکان افزایش ثروت بیشتر را در آینده ممکن می‌سازد. افزون بر این، اجرای استراتژی اجتناب مالیاتی به طور بالقوه شرکت را در معرض جرایم مالیاتی آتی قرار می‌دهد. اما، بر اساس دیدگاه تئوری نمایندگی، در شرکت‌هایی که مدیران از توانایی بالایی برخوردار هستند، انتظار می‌رود که مدیران از توانایی خود در جهت فعالیت‌هایی استفاده نمایند که منافع آنها از هزینه‌های شان بیشتر باشد تا از این طریق ثروت سهامداران حداکثر گردد. بنابراین، مدیران با توانایی بالا می‌توانند از طریق استفاده کارا از منابع محدود سازمان، کارایی بیشتر و در نتیجه ارزش بیشتری را برای شرکت خلق نمایند و در نتیجه ابهام ایجاد شده در نتیجه پنهان کردن حقایق به منظور جلوگیری از کشف شدن توسط مأموران مالیاتی کاهش می‌یابد و در نتیجه کیفیت گزارشگری مالی افزایش می‌یابد. (دیمرجان و همکاران ۲۰۱۲)

با در نظر گرفتن مطالب بیان شده می‌توان فرضیه‌های پژوهش را به شرح زیر بیان نمود:

- فرضیه اول: توانایی مدیران بر اجتناب از مالیات تاثیر معناداری دارد.
- فرضیه دوم: توانایی مدیران بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر معناداری دارد.
- فرضیه سوم: توانایی مدیریت بر رابطه اجتناب از مالیات و کیفیت گزارشگری مالی تاثیر معناداری دارد.

۴- روش شناسی پژوهش

پس از استخراج داده‌ها از صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه حسابرسی شده سالانه شرکت‌ها و نرم افزار ره آورد نوین، با کمک نرم افزار اقتصادسنجی Eviews7 و با به کارگیری روش رگرسیون پانل دیتا آزمون‌های آماری لازم انجام شد. برای انتخاب بین روش داده‌های پانل و داده‌های تجمیعی از آزمون F لیمر استفاده شده است. در این آزمون فرض H_0 یکسان بودن عرض از مبداها (روش داده‌های تجمیعی) در مقابل فرض H_1 ناهمسانی عرض از مبداها (روش داده‌های پانل) قرار می‌گیرد. بنابراین، در صورت رد فرضیه H_0 روش داده‌های پانل پذیرفته می‌شود. با توجه به نتیجه آزمون که در آن فرضیه‌ی صفر برابری عرض از مبداها برای مقاطع مختلف است، با پذیرفته نشدن فرض صفر، دلیلی بر یکسان فرض نمودن عرض از مبدا واحدهای مختلف مقطعی وجود ندارد، لذا از روش رگرسیونی تلفیق داده‌های مقطعی - زمانی (داده‌های پانل) استفاده می‌گردد. برای انتخاب از بین روش‌های اثرات تصادفی و اثرات ثابت برای برآورد مدل رگرسیون در روش داده‌های پانل، از آزمون هاسمن استفاده گردید؛ به این ترتیب که از آزمون هاسمن برای ارزیابی روش اثرات تصادفی استفاده می‌شود. فرض صفر هاسمن براساس ناهمبسته بودن اثرات تصادفی با متغیرهای توضیحی شکل می‌گیرد. بنابراین، در صورت رد فرض صفر، روش اثرات ثابت بر اثرات تصادفی ارجحیت دارد و در غیر اینصورت از روش اثرات تصادفی استفاده می‌شود. به عبارتی دیگر، در صورتی که نتیجه آزمون موید استفاده از روش اثرات تصادفی باشد، برآوردهای این روش قابل استناد است و در غیر اینصورت از روش اثرات ثابت استفاده می‌شود.

۴-۱- جامعه آماری

جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که سال مالی آنها به پایان اسفندماه ختم شده و اطلاعات مربوط به آنها در دسترس باشد. جهت تعیین نمونه مورد نظر در این پژوهش، با توجه به تعدد شرکت‌های بورسی، نوع فعالیت آنها، اندازه‌ی متفاوت آنها و غیره از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده می‌شود. بدین معنی که شروطی جهت همگن نمودن نمونه آماری، تعریف شده و شرکت‌هایی جز نمونه پژوهش در نظر گرفته می‌شوند که شرایط زیر را داشته باشند

- ۱) حداقل از ابتدای سال ۹۰ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
- ۲) اطلاعات مورد نیاز جهت متغیرهای تحقیق در مورد آن شرکت‌ها، در طول دوره تحقیق در دسترس باشد.
- ۳) شرکت بین سال‌های مالی ۹۰ تا ۹۶ فعالیت داشته باشد.
- ۴) جزو شرکت‌های خدماتی، تأمین مالی و سرمایه‌گذاری نباشد؛
- ۵) پایان سال مالی شرکت ۲۹ اسفند ماه باشد و شرکت در دوره مورد مطالعه سال مالی خود را تغییر نداده باشد.

لذا با توجه به شرایط فوق ۱۲۰ شرکت به عنوان نمونه مطالعاتی این پژوهش در نظر گرفته شدند.

۴-۲- مدل پژوهش

با توجه به فرضیه های آماری مدل رابطه ۱ برای آزمون فرضیه ها مورد استفاده قرار می گیرد.

$$\begin{aligned} \text{Tax Avoidance it} &= \theta_0 + \beta_1 \text{managerialability it} + \beta_2 \text{InTang}_{i,t} + \beta_3 \text{Size}_{i,t} + \beta_4 \text{Lev}_{i,t} + \beta_5 \text{ROA}_{i,t} + \beta_6 \text{Intran}_{i,t} \\ \text{TCA}_{i,t} &= \theta_0 + \beta_1 \text{managerialability it} + \beta_2 \text{InTang}_{i,t} + \beta_3 \text{Size}_{i,t} + \beta_4 \text{Lev}_{i,t} + \beta_5 \text{ROA}_{i,t} + \beta_6 \text{Intran}_{i,t} \\ \text{TCA}_{i,t} &= \theta_0 + \text{Tax Avoidance it} + \beta_1 \text{managerialability it} + \beta_2 \text{InTang}_{i,t} + \beta_3 \text{Size}_{i,t} + \beta_4 \text{Lev}_{i,t} + \beta_5 \text{ROA}_{i,t} + \beta_6 \text{Intran}_{i,t} \end{aligned}$$

رابطه (۱)

۴-۳- متغیرها پژوهش

۴-۳-۱- متغیر مستقل: توانایی مدیریت

در پژوهش حاضر، به منظور اندازه گیری توانایی مدیریت از مدل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲)، استفاده شده است. در این مدل، با استفاده از اندازه گیری کارایی شرکت و سپس وارد کردن آن در رگرسیون خطی چند متغیره به عنوان متغیر وابسته و کنترل ویژگی های ذاتی شرکت، توانایی مدیریت محاسبه می شود. به منظور اندازه گیری کارایی شرکت، دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) از مدل تحلیل پوششی داده ها (DEA) استفاده کرده اند. مدل تحلیل پوششی داده ها، نوعی مدل آماری است که برای اندازه گیری عملکرد سیستم با استفاده از داده های ورودی و خروجی، کاربرد دارد.

رابطه (۲)

$$\max_v = \frac{\text{Sales}}{v_1 \text{CoGS} + v_2 \text{SG\&A} + v_3 \text{NetPPE} + v_4 \text{OpsLease} + v_5 \text{R\&D} + v_6 \text{Goodwill} + v_7 \text{Intran}}$$

در این مدل CoGS، بهای کالای فروش رفته در سال t، SG&A، هزینه های عمومی، اداری و فروش در سال t، NetPPE، مانده خالص املاک، ماشین آلات و تجهیزات در ابتدای سال t، OpsLease، هزینه اجاره عملیاتی در سال t و Intan، مانده خالص دارایی نامشهود در ابتدای سال t، در این مدل برای هر کدام از متغیرهای ورودی ضریب خاص، v، در نظر گرفته شده است زیرا اثر همه متغیرهای ورودی بر خروجی (فروش) یکسان نیست. مقدار محاسبه شده برای کارایی شرکت در محدوده صفر تا ۱ قرار می گیرد که حداکثر کارایی برابر ۱ و هر چه مقدار به دست آمده کمتر باشد یعنی کارایی شرکت پایین تر است.

هدف ما از محاسبه کارایی شرکت، اندازه گیری توانایی مدیریت است و از آنجا که در محاسبات مربوط به کارایی ویژگی های ذاتی شرکت نیز دخالت دارند، نمی توان توانایی مدیریت را به درستی اندازه گیری کرد زیرا متأثر از این ویژگی ها، بیشتر یا کمتر از مقدار واقعی محاسبه می شود.

دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) به منظور کنترل اثر ویژگی های ذاتی شرکت در مدل خود کارایی شرکت را به دو بخش جدا یعنی کارایی بر اساس ویژگی های ذاتی شرکت و توانایی مدیریت، تقسیم کرده اند. آنها این کار را با استفاده از کنترل ۵ ویژگی ذاتی شرکت (اندازه شرکت، سهم بازار شرکت، جریان نقدی شرکت، عمر پذیرش شرکت در بورس و فروش خارجی (صادرات) انجام داده اند. هر کدام از این ۵ متغیر به عنوان ویژگی های ذاتی شرکت، می توانند به مدیریت کمک کنند تا تصمیمات بهتری اتخاذ نمایند یا در جهت عکس عمل کرده و توانایی مدیریت را محدود کنند. در رابطه (۳) که توسط دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) ارائه شده، این ۵ ویژگی کنترل شده اند.

رابطه (۳)

$$\text{Firm Efficiency} = a_0 + a_1 \text{Size} + a_2 \text{Market Share} + a_3 \text{Free Cash Flow Indicator} + a_4 \text{Age} + a_5 \text{Forein Currency Indicator} +$$

که در آن Size، اندازه شرکت و برابر با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی های شرکت، Market Share، سهم بازار شرکت و برابر با نسبت فروش شرکت به فروش کل صنعت، Free Cash Flow Indicator، متغیری دامی که در صورت مثبت بودن

جریان های نقدی عملیاتی برابر یک و در صورت منفی بودن برابر صفر در نظر گرفته شده است، Age، عمر پذیرش شرکت در بورس اوراق بهادار و برابر با لگاریتم طبیعی تعداد سالهایی که شرکت در بورس پذیرفته شده است، Foreign Currency Indicator، نیز متغیر دامی است و برای شرکتهایی که صادرات (فروش با ارز خارجی) داشته‌اند برابر ۱ در غیر این صورت صفر در نظر گرفته شده است و باقی مانده مدل (E) نیز نشان دهنده میزان توانایی مدیریت است. مدل (۳) نیز مانند مدل تحلیل پوششی داده ها باید در سطح صنعت ارزیابی شود به همین دلیل در آن متغیرهای مربوط به سطح کل بازار در مدل اثر داده نشده‌اند (دیمرجان وهمکاران ۲۰۱۲).

۴-۳-۲- متغیر وابسته: کیفیت گزارشگری مالی

کیفیت گزارشگری با استفاده از مدل دچو و دیچو بدست می آید. این مدل بر خطا در اندازه‌گیری اقلام تعهدی تمرکز دارد. کیفیت اقلام تعهدی (TCA) به میزان نقد شوندگی اقلام تعهدی سود اشاره دارد. هرچه درجه نقدشوندگی اقلام تعهدی بالا باشد، کیفیت این اقلام بالاست. که از طریق رابطه (۴) محاسبه می شود:

رابطه (۴):

$$TCA_{j,t} / Assets_{j,t} = \alpha_0 + \alpha_1 CFO_{j,t-1} / Assets_{j,t} + \alpha_2 CFO_{j,t} / Assets_{j,t} + \alpha_3 CFO_{j,t+1} / Assets_{j,t} + \alpha_4 Rev_{j,t} / Assets_{j,t} + \alpha_5 PPE_{j,t} / Assets_{j,t} + \epsilon_{j,t}$$

$TCA_{j,t}$: کل اقلام تعهدی جاری شرکت j در سال t

$Assets_{j,t}$: میانگین کل دارایی‌های شرکت j در سال‌های t

$CFO_{j,t}$: جریان‌های نقدی عملیاتی

$Rev_{j,t}$: تغییرات درآمد در سال t نسبت به سال قبل و

$PPE_{j,t}$: ارزش ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات در سال t است.

به این ترتیب برای هر شرکت در هر سال مقدار خطا (مقادیر باقیمانده) اندازه‌گیری می‌شود که مقدار خطا برابر است با تفاوت بین مقدار واقعی اقلام تعهدی جاری و مقدار پیش‌بینی شده با استفاده از مدل رگرسیونی شماره (۴) برای آن شرکت. کیفیت اقلام تعهدی از طریق انحراف معیار مقادیر باقیمانده اندازه‌گیری می‌شود که مقادیر زیاد (کم) کیفیت اقلام تعهدی بیانگر کیفیت پایین (بالا) اقلام تعهدی است.

۴-۳-۳- متغیر وابسته: اجتناب از مالیات (Tax Avoidance)

مالیات‌های نقدی پرداخت شده به ازای هر دلار سود دفتری قبل از مالیات می باشد که معیاری از اجتناب از مالیات شرکت می باشد. هرچه اندازه i این شاخص بزرگتر باشد، سطح اجتناب از مالیات شرکت کمتر است. این معیار با استفاده از رابطه محاسبه می شود: کل سود حسابداری قبل از مالیات / کل مالیات نقدی پرداختی = Cash ETR

۴-۳-۴- متغیرهای کنترلی

عبارتند از:

$LEV_{i,t}$ معیار اهرم: به صورت ارزش دفتری کل بدهی به ارزش دفتری کل دارایی‌ها تعریف شده است.

$ROA_{i,t}$ بازده دارایی‌ها؛ از طریق نسبت سود عملیاتی (پس از کسر مالیات) به ارزش دفتری دارایی‌ها اندازه‌گیری می‌شود.

$SIZE_{i,t}$ اندازه؛ از طریق لگاریتم طبیعی ارزش دفتری دارایی‌ها اندازه‌گیری می‌شود.

$INTANG_{i,t}$ نسبت دارایی‌های نامشهود؛ از طریق نسبت ارزش دفتری دارایی‌های ثابت مشهود به ارزش دفتری دارایی‌ها،

اندازه‌گیری می‌شود.

۵- یافته های پژوهش

قبل از تحلیل داده‌ها لازم است با استفاده از شاخص‌های پراکندگی و شاخص‌های مرکزی به عنوان دو رکن اصلی آمار توصیفی، به بررسی چگونگی توزیع متغیرها پرداخته شود. از جمله مهم‌ترین شاخص‌های مرکزی میانگین، میانه و مد می‌باشد و مهم‌ترین شاخص‌های پراکندگی انحراف معیار، چولگی و کشیدگی است که بیانگر پراکنش داده‌ها حول محور میانگین می‌باشد. در جدول شماره ۱ مقادیر برخی از شاخص‌ها ارائه شده است.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	نماد	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
توانایی مدیریت	M Ability	-۴/۱۴۲۲	-۴/۴۴۰۸۹	۰/۵۸۳۴	-۰/۵۸۷۴	۰/۱۳۸۸
اجتناب از مالیات	Tax Av	۰/۱۶۶۰	۰/۱۰۰۲	۲۱/۶۷۱۲	-۰/۰۶۴۴	۰/۸۲۱۸
کیفیت گزارشگری مالی	TCA	۰/۰۱۷۸	-۰/۰۱۰۵	۹۸/۲۰۲۴	-۳۱۸/۸۴۵۵	۱۳/۷۲۵۰
توانایی مدیریت*اجتناب مالیاتی	M Ability* Tax Av	۰/۰۰۲۰۴	۰/۰۰۰۰۰	۰/۴۴۰۹	-۰/۱۵۲۳	۰/۰۳۲۲۲
نسبت دارایی های نامشهود	In Tangible	۰/۰۲۰۴۲۲	۰/۰۲۷۳۴	۰/۷۲۸۲۸	۰/۰۰۰۰۰	۰/۰۶۶۳۲
اندازه شرکت	Size	۱۴/۳۸۷۶	۱۴/۱۱۹۰	۱۹/۱۴۹۹	۱۱/۰۳۵۲	۱/۶۰۷۵۶
اهرم مالی	Lev	۰/۶۶۷۳۵	۰/۶۳۱۳۸	۳/۲۲۳۴	۰/۰۱۲۷۳	۰/۳۱۸۷۸
بازده داراییها	Roa	۰/۱۳۳۸	۰/۰۸۸۶	۲۶/۵۰۰۵	-۰/۷۸۹۶	۰/۹۹۶۹

با توجه به جدول فوق مشاهده می‌شود که میانگین مشاهدات و میانه متغیرها اختلاف اندکی دارند که نشان از نرمال بودن داده‌ها است. آزمون ضرایب همبستگی پیرسون برای همه متغیرهای استفاده شده در الگوهای رگرسیونی انجام شد. براساس نتایج حاصل از این آزمون چون تمام ضرایب برآورد شده معنادار و تفکیک پذیر بودند بین متغیرهای مستقل و تعدیل کننده خودهمبستگی دیده نشد.

۵-۱ ایستایی (پایایی) متغیرهای پژوهش

به منظور اطمینان از غیر کاذب بودن الگوی رگرسیونی به بررسی ایستایی متغیرهای پژوهش پرداخته شده است. مطابق با جدول شماره ۲ در کلیه متغیرهای مستقل، وابسته و کنترلی سطح معناداری در آزمون ریشه واحد لوین، لین و چو، کوچکتر از ۰/۰۵ است که نشان دهنده این است که متغیرها پایا هستند. این بدان معنی است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سالهای مختلف ثابت بوده است. در نتیجه، شرکت‌های مورد بررسی تغییرات ساختاری نداشته و استفاده از این متغیرها در الگو باعث به وجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود.

جدول (۲): آزمون پایایی متغیرهای پژوهش (ماخذ: یافته های پژوهشگر)

متغیرها	نماد متغیر	آزمون لوین، لین و چو		آزمون ایم، پسران و شین	
		Prob.	آماره	Prob.	آماره
توانایی مدیریت	M Ability	۰/۰۰۰۰	- ۱۸/۴۳۵۲	۰/۰۰۰۰	- ۱۱/۸۷۹۲
اجتناب مالیاتی	Tax Av	۰/۰۰۰۰	- ۲۴/۵۴۳۳	۰/۰۰۰۰	- ۲۰/۰۲۱۰
کیفیت گزارشگری مالی	TCA	۰/۰۰۰۰	- ۳۲/۷۴۳۰	۰/۰۰۰۰	- ۲۹/۴۳۱۹
توانایی مدیریت*اجتناب مالیاتی	M A * T A	۰/۰۰۰۰	- ۲۶/۸۱۷۳	۰/۰۰۰۰	- ۱۷/۸۹۱۶
نسبت دارایی های نامشهود	In Tangible	۰/۰۰۰۰	- ۸/۲۳۷۹۱	۰/۰۰۰۰	- ۴/۲۲۹۰۵
اندازه شرکت	Size	۰/۰۰۰۰	- ۸/۲۴۷۳	۰/۰۰۰۰	- ۷/۴۹۳۵۱
اهرم مالی	Lev	۰/۰۰۰۰	- ۹/۹۲۷۳۹	۰/۰۰۰۰	- ۹/۱۹۰۷۸
بازده داراییها	Roa	۰/۰۰۰۰	- ۳۵/۵۵۸۴	۰/۰۰۰۰	- ۲۸/۸۵۷۸

جدول شماره ۳ نشان دهنده‌ی نتایج آزمون‌های لیمر و هاسمن در برآورد مدل‌های رگرسیونی است. همانگونه که ملاحظه می‌شود، در تمامی مدل‌های به کار رفته فرضیه H_0 مبنی بر یکسان بودن عرض از مبدا رد شده، لذا مدل‌ها پانل می‌باشد. همچنین بر اساس آزمون هاسمن چون برای تمام مدل‌ها Prob. کمتر از ۵ درصد است مدل اثرات ثابت در سطح معنی داری ۹۵ درصد به بالا پذیرفته می‌شود.

جدول (۳): نتایج آزمون‌های F لیمر و χ^2 هاسمن (ماخذ: یافته‌های پژوهشگر)

آزمون هاسمن			آزمون لیمر			فرضیه‌های تحقیق
Prob.	Chi-Sq. Statistic	df	Prob.	Cross-section F	Df	
۰/۰۴۲۸	۱۳/۰۵۷۷۶۸	۵	۰/۰۲۲۲	۱/۹۹۸۴۳۷	(۵,۷۱۳)	۱
۰/۰۴۵۷	۱۲/۴۶۹۸۷۳	۵	۰/۰۴۳۸	۱/۴۱۵۸۷۳	(۵,۷۱۳)	۲
۰/۰۴۷۲	۱۱/۵۳۷۳۴۵	۶	۰/۰۳۹۵	۱/۶۲۷۱۲۱	(۵,۷۱۳)	۳

۵-۲- نتایج آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول به این صورت مطرح شده بود که توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی تاثیر معناداری دارد. نتایج آزمون فرضیه اول در جدول شماره ۴ آورده شده است.

جدول (۴): خلاصه نتایج محاسبات رگرسیون فرضیه اول (ماخذ: یافته‌های پژوهشگر)

ضرایب برآورد شده	آزمون T		تفسیر	آزمون F	نام متغیر
	سطح معنی داری	آماره آزمون			
۰/۱۰۹	۰/۰۰۸	۱۳/۳۰	۰/۲۴۶	۲۸/۷	عرض از مبدا
-۰/۳۳۷	۰/۰۱	-۳۱/۲۹			توانایی مدیریت
-۰/۴۳۹	۰/۳۱۴	-۲۵/۴۱			نسبت دارایی‌های نامشهود
۰/۰۳۶	۰/۰۰۰۰	۵۱/۸۸			اندازه شرکت
-۰/۰۲۸	۰/۰۰۵	-۷/۷۴			اهرم مالی
-۰/۰۰۴	۰/۰۱۴	-۴/۳۱			بازده دارایی‌ها

همانطور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، مقدار و احتمال آماره ی F بیانگر معنادار بودن معادله رگرسیون در سطح خطای ۰/۰۵ است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده مدل برابر با ۲۴٪ است؛ و بیانگر آن است که متغیرهای مستقل و کنترلی مدل ارائه شده، قادر به بیان ۲۴٪ از عوامل تاثیر گذار بر اجتناب مالیاتی هستند. در بررسی هر یک از فرضیه‌های پژوهش، از آماره ی t مربوط به متغیرهای مستقل استفاده شده است. همانطور که در جدول ملاحظه می‌شود، مقدار معناداری برای ضریب (-۰/۳۳۷) (متغیر توانایی مدیریت برابر با ۰/۰۱ است بنابراین توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی تاثیر منفی و معناداری دارد و افزایش توانایی مدیران به طور معناداری منجر به کاهش اجتناب مالیات می‌شود. ضریب متغیر اندازه شرکت برابر با ۰/۰۳۶ است. با توجه به اینکه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ بدست آمده است، فرض صفر مبنی بر صفر بودن این ضریب تایید نمی‌شود؛ به بیان دیگر می‌توان گفت اندازه شرکت تاثیر مثبت و معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد. علاوه بر این، یافته‌ها نشان می‌دهد سطح معناداری محاسبه شده برای متغیرهای اهرم مالی و بازده داراییها کمتر از ۰/۰۵ است. از سوی دیگر ضرایب برآورد شده برای متغیرهای اهرم مالی و بازده داراییها در سطح خطای ۰/۰۵ منفی است؛ یعنی متغیرهای کنترلی اهرم مالی و بازده دارایی‌ها تاثیر منفی و معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد. بین متغیرکنترلی نسبت دارایی نامشهود و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری یافت نشد. ضریب تعیین تعدیل شده مدل نشان می‌دهد که حدود ۰/۲۴ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی تبیین می‌شود.

شود. فرضیه دوم بیان می نمود که توانایی مدیریت بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر معناداری دارد. نتایج آزمون فرضیه دوم در جدول شماره ۵ آورده شده است.

جدول (۵): خلاصه نتایج محاسبات رگرسیون فرضیه دوم (ماخذ: یافته های پژوهشگر)

نام متغیر	آزمون F		تغییر شده	تغییر شده	آزمون T		ضرایب برآورد شده
	آماره آزمون	سطح معنی داری			آماره آزمون	سطح معنی داری	
عرض از مبدا							۳/۸۷۱
توانایی مدیریت							۲۳/۱۱
نسبت دارایی های نامشهود							-۰/۸۳۹
اندازه شرکت							-۰/۰۲۳
اهرم مالی							-۰/۰۲۱
بازده داراییها							-۰/۰۰۷
	۶۷/۳۴	۰/۰۰۰۰	۰/۲۶۵	۰/۲۲۲			

همانطور که در جدول شماره ۵ مشاهده می شود، مقدار و احتمال آماره ی F بیانگر معنادار بودن معادله رگرسیون در سطح خطای ۰/۰۵ است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده مدل برابر با ۰/۲۲ است؛ و بیانگر آن است که متغیرهای مستقل و کنترلی مدل ارائه شده، قادر به بیان ۲۲٪ از عوامل تاثیر گذار بر کیفیت گزارشگری مالی هستند. در بررسی هر یک از فرضیه های پژوهش، از آماره ی t مربوط به متغیرهای مستقل استفاده شده است. همانطور که در جدول ملاحظه می شود، مقدار معناداری برای ضریب (۲۳/۱۱) متغیر توانایی مدیریت برابر با ۰/۰۰۹ است بنابراین توانایی مدیریت بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر مثبت و معناداری دارد و افزایش توانایی مدیران به طور معناداری منجر به افزایش کیفیت گزارشگری مالی می شود. ضریب متغیر اندازه شرکت برابر با ۰/۰۲۳- است. با توجه به اینکه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ بدست آمده است، فرض صفر مبنی بر صفر بودن این ضریب تایید نمی شود؛ به بیان دیگر می توان گفت اندازه شرکت تاثیر منفی و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد. علاوه براین، یافته ها نشان می دهد سطح معناداری محاسبه شده برای متغیرهای اهرم مالی و بازده داراییها کمتر از ۰/۰۵ است. از سوی دیگر ضرایب برآورد شده برای متغیرهای اهرم مالی و بازده داراییها در سطح خطای ۰/۰۵ منفی است؛ یعنی متغیرهای کنترلی اهرم مالی و بازده داراییها تاثیر منفی و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد. بین متغیر کنترلی نسبت دارایی نامشهود و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معناداری یافت نشد. فرضیه سوم بیان می نمود که توانایی مدیریت بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و کیفیت گزارشگری مالی تاثیر معناداری دارد. نتایج آزمون فرضیه دوم در جدول شماره ۶ آورده شده است.

جدول (۶): خلاصه نتایج محاسبات رگرسیون فرضیه سوم (ماخذ: یافته های پژوهشگر)

نام متغیر	آزمون F		تغییر شده	تغییر شده	آزمون T		ضرایب برآورد شده
	آماره آزمون	سطح معنی داری			آماره آزمون	سطح معنی داری	
عرض از مبدا							۴/۹۰۹
اجتناب مالیاتی							۰/۱۹۲
توانایی مدیریت: اجتناب مالیاتی							۱۸/۷۹
نسبت دارایی های نامشهود							۰/۳۶۱
اندازه شرکت							-۰/۲۵۶
اهرم مالی							-۱/۷۱۰
بازده داراییها							-۱/۱۴
	۷۳/۵۶	۰/۰۰۰۰	۰/۳۲۷	۰/۲۷۰			

همانطور که در جدول شماره ۶ مشاهده می شود، مقدار و احتمال آماره F بیانگر معنادار بودن معادله رگرسیون در سطح خطای ۰/۰۵ است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده مدل برابر با ۲۷٪ است؛ و بیانگر آن است که متغیرهای مستقل و کنترلی مدل ارائه شده، قادر به بیان ۲۷٪ از عوامل تاثیر گذار بر کیفیت گزارشگری مالی هستند. در بررسی هریک از فرضیه های پژوهش، از آماره t مربوط به متغیرهای مستقل استفاده شده است. همانطور که در جدول ملاحظه می شود، مقدار معناداری برای ضریب (۰/۱۹۲) متغیر اجتناب مالیاتی برابر با ۰/۰۰۰ است بنابراین اجتناب مالیاتی بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر مثبت و معناداری دارد. به علاوه، ضریب تعاملی متغیر توانایی مدیریت با اجتناب مالیاتی به میزان ۱۸/۷۹ است که در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار است؛ به عبارت دیگر، ضریب تعاملی متغیر توانایی مدیریت و اجتناب مالیاتی بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر مثبت و معناداری دارد. ضریب متغیر اندازه شرکت برابر با ۰/۲۵۶- است. با توجه به اینکه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ بدست آمده است، فرض صفر مبنی بر صفر بودن این ضریب تایید نمی شود؛ به بیان دیگر می توان گفت اندازه شرکت تاثیر منفی و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد. علاوه بر این، یافته ها نشان می دهد سطح معناداری محاسبه شده برای متغیرهای اهرم مالی و بازده داراییها کمتر از ۰/۰۵ است. از سوی دیگر ضرایب برآورد شده برای متغیرهای اهرم مالی و بازده داراییها در سطح خطای ۰/۰۵ منفی است؛ یعنی متغیرهای کنترلی اهرم مالی و بازده داراییها تاثیر منفی و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد. بین متغیر کنترلی نسبت دارایی نامشهود و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معناداری یافت نشد.

۶- بحث و نتیجه گیری

در دنیای امروز، وظایف واحدهای تجاری تغییر یافته و هدف آنها تأمین نیازهای ذینفعان است؛ سرمایه گذاران و مالکان بخش مهمی از ذینفعان را تشکیل می دهند. مدیریت، فرآیند دستیابی به اهداف سازمانی به کمک به کارگیری مؤثر منابع انسانی و امکانات مادی سازمان است. مدیران کارآ، توانایی استفاده بهینه از منابع موجود را در فرآیند تحقق اهداف سازمانی دارند. آنها از منابع محدود در اختیار سازمان، بیشترین نرخ بازده را ایجاد می نمایند. در این پژوهش رابطه توانایی مدیران بر اجتناب مالیاتی و کیفیت گزارشگری مالی و تاثیر تعدیل کنندگی آن بر رابطه بین اجتناب از مالیات و کیفیت گزارشگری مالی شرکت های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۹۰-۹۶ مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج فرضیه اول پژوهش نشان داد که توانایی مدیریت با اجتناب مالیاتی رابطه منفی دارد. این نتیجه سازگار با تئوری نمایندگی و مغایر با نتایج پژوهش کوستر و همکاران (۲۰۱۶) و مطابق با نتیجه پژوهش کو و همکاران (۲۰۱۳) و فرانسیس و همکاران (۲۰۱۴) و پارک و همکاران (۲۰۱۶) است. از این رو، میتوان استنباط نمود که در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران استراتژی اجتناب مالیاتی مورد حمایت مدیران، با توانایی بالا قرار نمی گیرد؛ به عبارت دیگر، مدیران توانمند به جای صرف وقت خود برای انجام اجتناب مالیاتی و استفاده از خلأهای قانونی، زمان و منابع خود را، صرف سایر فرصت های سرمایه گذاری می کنند. بنابراین، با افزایش توانایی مدیران اجتناب مالیاتی کاهش می یابد. همچنین نتیجه فرضیه دوم نشان داد که توانایی مدیران بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر مثبت و معناداری دارد. که مطابق با نتیجه پژوهش دی جونگ و لینگ (۲۰۱۰) و پیری و همکاران (۱۳۹۳) می باشد. بنابراین مدیران توانمند نیاز کمتری به دست کاری اقلام تعهدی در جهت پنهان سازی ضعف خود دارند چراکه آنها با استفاده بهینه از منابع شرکت و اطلاعات در دست می توانند به سود مطلوب شرکت و نیز مطلوبیت شخصی خود دست یابند و همچنین با افشای اطلاعات بیشتر، کیفیت گزارشگری مالی را افزایش، و در نتیجه هزینه سرمایه را کاهش دهند. همچنین نتیجه فرضیه سوم نشان داد که توانایی مدیران بر رابطه بین اجتناب از مالیات و کیفیت گزارشگری تاثیر مثبت دارد. مدیران توانمند با توجه به رابطه منفی بین اجتناب از مالیات و کیفیت گزارشگری مالی با استفاده بهینه از منابع شرکت و اطلاعات در دست و همچنین با افشای اطلاعات بیشتر و افزایش کیفیت گزارشگری مالی، ارتباط بهتری را با سرمایه گذاران برقرار می کنند. بر اساس نتایج پژوهش می توان به مدیران پیشنهاد نمود که از انتخاب استراتژی اجتناب مالیاتی به عنوان روشی برای جلوگیری از خروج منابع خودداری نمایند و زمان و منابع شرکت را در فرصت های سرمایه گذاری نمایند.

از این رو، سطح مطلوب اجتناب مالیاتی باید از طریق برقراری ارتباط بین میزان ارزش آفرینی و صرفه جویی مالیاتی ایجاد شده تعیین گردد. و با استفاده بهینه از منابع شرکت و اطلاعات در دست هزینه سرمایه را کاهش دهند.

پی‌نوشت

1-Libby& Luft	2- Koester et al	3- Demerjian et al
4-Andreou et al	5- Hanlon & Heitzman	6- DeJong & Ling
7- Plumlee	8- Chen & Huang	9- Panayiotis et al
10-ko et al	11- Balankishnan et al	12- Francis et al
13-park et al	14- Desai&Dharamapala	15- Dechow&.Dichev

منابع

- ۱- بزرگ زاده اصل، موسی؛ صالح زاده، بیستون (۱۳۹۴). رابطه توانایی مدیریت و پایداری سود با تأکید بر اجزای تعهدی و جریان های نقدی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دانش حسابرسی، ۵۸(۱۴)، ۱۵۳-۱۷۰
- ۲- پیری، پرویز؛ دیدار، حمزه؛ و سیما خدایارگانه (۱۳۹۳). بررسی تاثیر توانایی مدیریت بر کیفیت گزارشگری مالی در طول چرخه عمر شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش های حسابداری مالی، سال ششم، شماره سوم: ۹۹-۱۱۸
- ۳- ممتازیان، علیرضا و مصطفی کاظم نژاد (۱۳۹۵) بررسی رابطه بین قابلیت‌های مدیریت و معیارهای عملکرد با استفاده از تحلیل پوششی داده ها: مطالعه تجربی شرکت های ، پژوهش های تجربی حسابداری، دوره . « پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ۱۵-۳۳ صص ، ۱ شماره
- ۴- نمازی، محمد و محمدجواد غفاری (۱۳۹۴) بررسی اهمیت و نقش اطلاعات توانایی مدیران و نسبت های مالی به عنوان معیاری در انتخاب سبد بهینه سهام در شرکت های سال هفتم، شماره ، فصلنامه حسابداری مالی . « پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ۱-۲۳، صص ۲۱
- 5- Andreou, P.C., Ehrlich, D., Christodoulos L. (2013). Managerial ability and firm performance: evidence from the global financial crisis,
- 6- Balankishnan, K., Blouin Y., Guay, W. (2012). Does Tax Aggressiveness Reduce corporate transparency, Working paper university of pennsylvania
- 7- Bertrand, M., A. Schoar. (2003), Managing with style: The effect of managers on firm policies. *Quart. J. Economy*, ۱۱۸ (۴), ۱۱۶۹-۱۲۰۸.
- 8- Chen, Y., SHuang, SH., Pereira R., Wang, Y. (2009). Corporate Tax Avoidance And firm opacity, Discussion paper.
- 9- DeJong, D., and Z. Ling. (2010), Managers: Their effects on accruals and firm policies Working paper, University of Iowa.
- 10- Demerjian P., Lev B, Lewis MF, McVay SE. (2013). Managerial ability and earnings quality. *Accounting Review*, Vol 88 (2) , pp: 463 498.
- 11- Demerjian P., Lev B, McVay S. (2012). Quantifying managerial ability: A new measure and validity tests. *Management Science*, Vol 58(7) , 1229 1248
- 12- Desai, M., Dharamapala, D. (2009). Earnings Management Corporate Tax shelters and Book-Tax Alignment, *National Tax Journal* , 62.
- 13- Dechow, P. and I. Dichev (2002). The quality of accruals and earnings:
- 14- the role of accruals in estimation errors , *The Accounting Review*, 77,
- 15- PP. 35-59.
- 16- Ko, C. Y. Park, J. and H. Jung (2013). Managerial ability and tax avoidance. *Advanced Science and Technology Letters*, Vol. 34, pp.1-4.
- 17- Francis, B. B. Sun, X. and Q. Wu (2014). Managerial ability and tax avoidance. Working Paper, Available at http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?Abstract_id=234895, 15 june 2015
- 18- Hanlon, M., Heitzman, S. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2-3), 127-178.
- 19- Koester, A., Shevlin, T., and Wangerin, D. (2016). The role of managerial ability in corporate tax avoidance, working paper, Available at: http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2753152
- 20- Libby, R. and J. Luft (1993). Determinants of judgment performance in accounting settings: ability, knowledge, motivation and environment *Accounting Organizations and Society*, Vol. 18, pp. 425-450